

دادسراها

با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳، دادسراها که در معیت دادگاهها فعالیت می‌کردند بنا به دلایلی از سیستم قضایی کشور حذف شدند.

با قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ زمینه برای احیای مجدد دادسراها در سیستم قضایی کشور آماده گردید.

۱- مفهوم و جایگاه دادسرا

برای رسیدگی به دعاوی کیفری پنج مرحله پیش‌بینی شده است که عبارتند از:

۱- کشف

۲- تعقیب

۳- تحقیق

۴- حکم

۵- اجرای حکم

دادسرای نهادی قضایی در کنار دادگاههای عمومی و انقلاب که مرکب از دادستان و تعدادی دادیار و بازپرس، که اصلی‌ترین وظیفه آن کشف

جرم، تعقیب مجرمین و انجام تحقیقات مقدماتی و در صورت لزوم صدور کیفرخواست و دفاع از آن در دادگاه است.

۲- ارکان دادسرا

الف - دادستان:

دادستان یا مدعی العموم مقام قضایی است که به عنوان رئیس ضابطین دادگستری، برای حفظ حقوق عمومی و نظارت بر اجرای قوانین مطابق مقررات قانونی انجام وظیفه می‌نماید. در مواردی که جرم و ایجاد ضرری دارای شاکی خصوصی نباشد که به نوعی موجب خسارت جامعه شده باشد، دادستان به نمایندگی از طرف مردم، علیه مرتکبین، اقامه دعوا خواهد نمود. بعلاوه دادستان وظیفه حفظ حقوق کودکان و افراد غیر رشید، مجانین و غائبین مفقود الاثر و همچنین حفظ و نگهداری ترکه درموارد قانونی را بر عهده دارد. همچنین در حوزه قضایی شخصاً یا به وسیله دادیاران جرایم ارتكابی در آن حوزه‌ها مورد تحقیق و تعقیب قرار داده و در صورت لزوم از متهم تأمین احتیاطی اخذ می‌نماید. در اموری که به بازپرس ارجاع می‌شود دادستان حق دادن تعلیمات لازم را دارد و در اعمال وظایف خود دارای اختیارات وسیعی است، لذا در مواقع ضروری می‌تواند از نیروی انتظامی و سایر ضابطین

کمک بخواهد و آنها نیز موظفند اوامر دادستان را اجرائی نمایند در غیر این صورت متخلف محسوب می‌شوند.

ب- معاون دادسرا:

معاون دادسرا مقام قضایی است که در غیاب دادستان دارای کلیه اختیارات و وظایف قضایی و اداری دادستان است و در حضور دادستان نسبت به اموری که به وی تفویض می‌گردد، انجام وظیفه می‌نماید. از این رو بنا بر وسعت دادسرا، ممکن است دادستان از بین دادیاران، فرد یا افرادی را که دارای سابقه و تجربه بیشتری باشند، به عنوان معاون تعیین و اظهار نظر و اجرای احکام و یا سرپرستی اموال صغار و مجانین و اموال بلاصاحب و ترکه بلاوارث را به وی ارجاع بدهد.

ج) دادیار:

دادیار مقام قضایی است که در دادسرا تحت ریاست و نظارت دادستان انجام وظیفه می‌نماید و از حیث اظهار نظر و رأی تابع دادستان است. با ارجاع دادستان عهده‌دار امور سرپرستی، تحقیقات مقدماتی، اجرای احکام و سایر وظایفی که به عهده دادستان است خواهد بود. دادیار هنگام حضور در دادگاه جهت دفاع از کیفرخواست، به نام دادستان بیان عقیده می‌نماید و همچنین در رابطه با اجرای احکام، مطابق مقررات انجام وظایف خواهد نمود.

د- بازپرس

از دیگر قضات دادسرا بازپرس می‌باشد که رأساً و یا به تقاضای دادستان از متهمین تحقیق و عنداللزوم قرار تأمین اخذ می‌نماید. بازپرس پس از ارجاع پرونده به تقاضای دادستان به جمع‌آوری دلایل تحقیق از متهم و سایر افراد مظنون و بررسی سایر ادله خواهد پرداخت و در صورت ضرورت تأمین لازم اخذ و نهایتاً مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب، منع تعقیب یا قرار مجرمیت خواهد نمود.

بازپرس در اظهارنظر مکلف به تبعیت از دادستان نیست و اصولاً عهده دار رسیدگی به جرایم مهمی است که در صلاحیت محاکم کیفری استان قرار دارد.

دادسرا، منشأ اقتدار دستگاه قضایی است .

آیت الله هاشمی‌شاهرودی

۳-وظایف و اختیارات دادسرا :

الف - در مرحله تعقیب و تحقیق:

در صورتی که جهات قانونی برای شروع به تحقیق (مانند شکایت و اعلام مدعی خصوصی، اعلام نیروی انتظامی، اظهار و اقرار مقصر، تکلیف قانونی دادستان، جرایم مشهود) فراهم باشد، ابتدا دستور تحقیق مقدماتی در خصوص موضوع صادر و یا رأساً به تحقیق و جمع‌آوری دلایل مبادرت می‌نماید. اگر انتساب بزه به متهم محرز و مسلم باشد، با توجه به نوع جرم و شخصیت مجرم قرار تأمین متناسب اخذ می‌شود و نهایتاً در صورتی که وی مجرم باشد، دادستان کیفرخواست صادر خواهد نمود و اگر تحقق جرم و یا انتساب آن به متهم محرز نباشد و یا متهم فوت نموده باشد یا موضوع به سازش رسیده و قابل گذشت باشد، حسب مورد قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب صادر می‌گردد.

ب- در مرحله دادرسی :

دادسرا پس از تنظیم کیفرخواست (کتبی یا شفاهی) آن را جهت رسیدگی به دادگاه ذیصلاح ارسال می‌دارد و چون دادسرا به نمایندگی از جامعه عنوان مدعی و طرف دعوی کیفری محسوب می‌شود، دادستان و یا یکی از دادیاران در دادرسی شرکت و نسبت به دفاع از کیفرخواست اقدام می‌نماید. همچنین دادسرا نسبت به حقوق متهم

توجه داشته و چنانچه وي را مستحق تخفيف، تبديل يا معافيت از مجازات تشخيص دهد و يا اگر دلایلي مبني بر بيگناهي وي كشف شود، مراتب را به دادگاه اعلام مي‌نمايد.

ج) در مرحله اجراي احكام:

در مرحله اجراي احكام چنانچه دادسرا ايراد و اشكال قانون در آن يافت، مراتب را به قاضي صادر كننده حكم اعلام مي‌نمايد، در غير اين صورت با رفع اشكال و ايراد و قطعيت حكم، نسبت به اجراي مفاد آن اقدام مي‌نمايد. دادستان براي اجراي حكم به مأمورين، آموزشهاي لازم را داده و نظارت در صحت اجرا و عدم تعويق و تعطيل آن مي‌نمايد. ضابطين نيز مكلفند كه بر طبق مفاد حكم و تعليمات دادستان ، اقدام نمايند.

احيائي دادسرا، گام مثبت و مهمي است و از ارکان توسعه قضايي مي‌باشد.

آيت‌الله هاشمي شاهرودي